

دو فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی

سال هفتم، شماره هفدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۱

سبک‌شناسی تطبیقی غزلیات سعدی و همام تبریزی

(براساس نسخه خطی جنگ کتابخانه لالا اسماعیل ترکیه)^۱

دکتر محمدرضا حصارکی^۲

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شهرقدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسؤول)

دکتر مهین خطیب‌نیا^۳

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

چکیده

سعدی شاعر قرن هفتم و یگانه استاد غزل عاشقانه، عارفانه و پندآموز است. همام تبریزی نیز معاصر سعدی است و دیوان شعری، با حدود ۴۰۰۰ بیت دارد. در نسخه خطی جنگ به شماره ۴۷۸ در کتابخانه لالا اسماعیل ترکیه، ۴۷ غزل سعدی با ۴۷ غزل از همام تبریزی تحت عنوان «المعارضات بین غزلیات الشیخ سعدی و مولانا همام الدین طاب ثراهما» در معارضه قرار گرفته است. پژوهشگر ضمن تصحیح نسخه خطی یادشده به سبک‌شناسی اشعار سعدی و همام و بررسی تأثیر و تأثرات این دو شاعر در معارضات موجود در این نسخه خطی پرداخته است. شیوه تحقیق کتابخانه‌ای و تحلیلی است. از آنجاکه این دو شاعر معاصر همدیگرند و تاکنون اشعار این دو به صورت تطبیقی بررسی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۹

^۱ تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۹/۲۵

^۲ m.r.hesaraki@gmail.com

^۳ t.khatibnia@gmail.com

سبک‌شناسانه نشده است، انجام این پژوهش ضروری به نظر می‌رسد. پرسش اصلی در این پژوهش آن است که «با توجه به معارضات موجود در نسخه خطی یادشده، میزان تأثیر و تأثرات سعدی و همام در شعر تا چه اندازه و در چه ابعادی است؟». نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد، تأثرات همام از سعدی به دو شکل است: الف) برپایه اساس و بنیاد است؛ یعنی تنها می‌توان تأثیر بیان شیوای سعدی را در اشعار همام دید، بدون آنکه شباهتی در ظاهر و مضمون ابیات وجود داشته باشد؛ ب) تأثر وزن و قافیه است که خود بر دو گونه است: غزلیاتی از همام که هم از نظر وزن و قافیه و هم از نظر مضمون، متأثر از سعدی است و دوم غزلیاتی که فقط در وزن و قافیه اتحاد دارند. در مجموع، تأثیر سبک شعر سعدی بر اشعار همام مشهود و انکارناپذیر است.

واژه‌های کلیدی

سبک‌شناسی؛ تطبیقی؛ سعدی؛ همام تبریزی؛ نسخه خطی

۱- مقدمه

۱-۱ بیان مسئله

همام تبریزی به قول شادروان عباس اقبال، یکی از شیرین‌زبان‌ترین شاعران آذربایجان و پس از قطران، بزرگ‌ترین شاعر تبریز است (عیوضی، ۱۳۷۰: ۴۶). همام به‌شکل عمیق و پایداری تحت تأثیر سعدی است. سعدی و همام در یک نقطه با هم اشتراک دارند و آن نقطه، خاندان معروف جوینی است. این اشتراک در ممدوح، اهمیت فراوان در کیفیت برخورد همام با آثار سعدی داشته است و همام جوان را که جویای نام بوده، بر آن داشته است که در مقام پهلوزدن با سعدی برآید و سبک شعر او به سبک شعر سعدی نزدیک شود؛ به‌گونه‌ای که تشخیص اشعار این دو شاعر جز با تعمق و دقت بسیار مقدور نیست. به هر

روی، همام بیش از هر شاعری، از سعدی تأثیر پذیرفته و گواه ما در این زمینه، جُنْگی است که در کتابخانه لالا اسماعیل ترکیه به شماره ۴۸۷ موجود است؛ در این جُنْگ ۴۹ غزل از سعدی با ۴۹ غزل از همام معارضه شده است؛ البته غزل‌های دیگر همام نیز در وزن و قافیه با غزل‌های سعدی متحدند و هدف از این پژوهش، میزان و شیوه تأثیرات همام از سعدی است. اهمیت این پژوهش در آن است که جایگاه همام را بین پیروان سعدی در این زمینه مشخص می‌کند؛ از جمله نتایج به عمل آمده، عبارت است از دو شیوه متفاوت همام در شیوه اثرپذیری از سعدی:

الف) تأثیرات غیرمستقیم که بدون شباهت ظاهری و مضمونی میان غزل‌های این دو شاعر، بیان شیوا و جذاب سعدی در زبان همام دیده می‌شود و این عالی‌ترین مرحله اثرپذیری به شمار می‌رود؛

ب) تأثیرات مستقیم که به معنی اتحاد وزن و قافیه و مضامین اشعار دو شاعر است. در مجموع، بررسی این تأثیر و تأثرات، نشانه نهایت دل‌بستگی و علاقه همام تبریزی به سعدی و اشعار اوست.

۲-۱ پیشینه پژوهش

- لیلا سایگانی (۱۳۸۷) در پایان‌نامه خود تحت عنوان «سبک‌شناسی غزل‌های همام تبریزی» با بررسی پانزده غزل همام، او را از شاعران سبک عراقی و دارای رویکرد عرفانی دانسته است.

- فاضل عباس‌زاده و جلیل تجلیل (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «نقش همگونی کامل واژگانی در موسیقی شعر همام تبریزی» چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند که شاعر با موسیقی حاصل از تکرار همگونی کامل واژگانی در کلام و با افزودن قواعد حاکم بر زبان مانند وزن، قافیه، ردیف، جناس، سجع، ترصیع، موازنه و واج‌آرایی به برجستگی زبانی رسیده است.

- فاضل عباس‌زاده (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «نقش گونه‌های ایهام در تکثر معانی واژگان دیوان همام تبریزی» چنین نتیجه می‌گیرد که طی بررسی اشعار همام، در ۳۶ بیت،

۱۶ مورد از گونه‌های ایهامی را یافته است و مجموعه اشعار همام سرشار از انواع ایهام‌های شاعرانه و بلاغی است؛ به گونه‌ای که دروازه تفسیر و تأویل را به روی خواننده گشوده است. - فاضل عباس‌زاده و جلیل تجلیل (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به مفاهیم ثانوی عرفانی چهره معشوق در دیوان همام تبریزی» چنین برداشت کرده‌اند که معشوق متجلی در اشعار همام، زمینی است؛ ولی با تأمل در اشعار او، برجستگی‌هایی از آموزه‌های عرفانی که بیشتر به زبان ایجاز، رمز و مجاز و استعاره است، در بافت ریزنقش و لایه‌های زیرین کلامش نمایان است.

- خلیل کهریزی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «شاهنامه در دیوان دیوان همام تبریزی» به این نتیجه رسیده است که همام تبریزی توجه ویژه‌ای به شاهنامه داشته؛ به گونه‌ای که شخصیت‌های شاهنامه و داستان‌های ملی و گاه واژه‌ها و تصاویر شاهنامه یکی از دست‌مایه‌های شاعر برای سرودن شعر بوده است.

با همه بررسی‌هایی که در زمینه اشعار همام تبریزی صورت گرفته، تاکنون تحقیقی به صورت تخصصی، معارضه‌های سعدی و همام و انواع و میزان تأثیر و تأثرات این دو شاعر را بررسی نکرده است.

۳-۱- اوضاع اجتماعی و ادبی قرن هفتم

در اواخر سده ششم، علاءالدین محمد، نواده اتسز بر تخت سلطنت خوارزم نشست. وسعت حکومت او بر ایران، یادآور دوران شکوه امپراطوری سلجوقی بود. دامنه این امپراطوری از کوه‌های اورال تا خلیج فارس و از رود سند تا فرات بود و به‌طور تقریبی تمام ایران را، به جز ایالت فارس و خوزستان، شامل می‌شد؛ اما مغول این سیل صحرائشین غارتگر و درنده‌خوی مانند نیروهای کور طبیعی، لجام‌گسیخته رو به سوی ایران نهادند. فاجعه حمله مغول احتمالاً نمی‌توانست دفع‌شدنی باشد؛ ولی بی‌شک بر اثر طمع، خیانت و بی‌ثباتی علاءالدین محمد خوارزمشاه، تسهیل و تسریع شد. قتل بازرگانان و فرستادگان

مغول بهترین بهانه ممکن برای حمله به ایران را به چنگیزخان مغول داد. خوارزمشاه بر اثر بی‌ثباتی در همان هجوم اول به‌جای مقاومت و دفاع مؤثر، گرفتار ترس و تزلزل بی‌پایان شد و دو سال بعد، در نکبت و آوارگی درگذشت. مقاومت دلاورانه جلال‌الدین در برابر مغول، به دلیل اختلاف او با ناصر خلیفه عباسی، بی‌نتیجه ماند و ممالک خوارزمشاهی، به دست مغولان افتاد (براون، ۱۳۷۸: ۱۱۵).

اوضاع ادبی و علمی ایران قرن هفتم و هشتم، بدون تردید، تحت تأثیر فتنه تیمور و چنگیز دچار فقر ادبی و علمی شد؛ به‌گونه‌ای که تمدن ایران را بی‌تردید هزار سال عقب انداخت. دانشمندان بسیاری کشته شدند؛ آثار علمی و ادبی نفیس ایران به کلی محو و نابود شد و کتابخانه‌ها و مراکز تحصیلات علوم از قبیل خوارزم و هرات و... خراب و ویران شد؛ از آثار به‌جای‌مانده آن زمان، زبان ترکی است که در بعضی نواحی ایران وارد شد و هنوز هم باقی مانده است.

علوم در این زمان رو به تنزل نهاد و فقط نجوم و بعضی شعب ریاضیات و عرفان و تصوف شهرت یافت. خواجه نصیرالدین طوسی و سعدی، درحقیقت از بازماندگان عهد پیش از مغول هستند و همام تبریزی از شاعران بعد از حمله مغول است. سلاطین مغول به سه چیز اهمیت می‌دادند: اول فن تاریخ‌نویسی براساس میل و علاقه به داستان‌سازی و داستان‌گویی؛ طبابت (به‌سبب احتیاج طبیعی هر انسان)؛ علم نجوم، به‌علت علاقه به عقاید و خرافات مذهبی (همایی، ۱۳۷۵: ۲۰۲).

در زبان فارسی و ادبی قرن هفتم و اوایل قرن هشتم، آثار فساد کمتر مشهود است؛ گسیختگی زبان به‌تدریج و به‌سبب دو عامل ایجاد شد: نخست آنکه با حمله مغول و برچیده‌شدن دربارهای حامی شعر و ادب فارسی، شعر و نثر به دربارهای کوچک عهد ایلخانان منتقل شد و شرایط دشوار و قیود سنگین بر تربیت شاعران و نویسندگان رسایل در دوران پیشین از میان رفت؛ نیز مهارت در زبان و لغت برداشته شد؛ این امر به محدودشدن

دایرهٔ تعبیرات و ترکیبات انجامید؛ اما این وضع به تدریج حاصل شد؛ به‌ویژه قرن هفتم، استادانی از جمله سعدی، هنوز تابع سنت‌های قدیم بودند و سنت‌ها به یکباره راه زوال را نمی‌توانست بپیماید.

دوم آنکه با حملهٔ مغول و برافتادن قطعی مراکز مشرق، به‌ویژه خراسان، شعر و نثر فارسی به نواحی دیگر ایران و خارج از آن منتقل شد و به جریان جدید انجامید؛ یعنی باعث تأثیر و نفوذ لهجه‌های مرکزی و غربی ایران در زبان ادبی شد و بسیاری از ویژگی‌های زبان دری در آثار قرن هفتم و اوایل هشتم، متروک شد و علل تغییر سبک و آثار فارسی شکل گرفت. در سبک عراقی، شعر دارای دو ویژگی مهم است: نفوذ و بسط عرفان؛ رواج غزل. غزل دراصل لغت، به معنای عشق‌بازی و حدیث عشق و عاشقی کردن است و چون این نوع شعر، بیشتر سخنان عاشقانه است، آن را غزل نامیده‌اند (همایی، ۱۳۷۰: ۱۲۴).

موضوعات عشقی درواقع از یکدیگر جدا نیستند؛ اما به‌طورکلی پیرامون سه محور دور می‌زند: اول، آنچه مستقیم به نفس عشق و شرح کیفیات آن مربوط می‌شود؛ دوم، آنچه مربوط به عاشق و احوال اوست؛ سوم، آنچه دربارهٔ معشوق و وصف زیبایی او گفت‌وگو می‌کند (مؤتمن، ۱۳۶۴: ۲۷۴).

«دکتر سیروس شمیسا شش دوره تطوّر برای غزل قائل است؛ عصر تغزل (از آغاز تا قرن ششم)، دورهٔ رواج غزل (قرن ششم تا پایان قرن نهم که قرن عاشقانه و عارفانه با سعدی و مولوی به اوج می‌رسند و سپس هر دو نوع در حافظ، تلفیق می‌یابند و دایرهٔ تکامل غزل سنتی بسته می‌شود، غزل حد وسط سبک عراقی و هندی (اواخر قرن نهم تا اوایل قرن یازدهم که شاعران به فکر شیوه‌ها و تجربه‌های تازه‌ای می‌افتند)، غزل سبک هندی (اوایل قرن یازدهم تا اواسط قرن دوازدهم)، غزل دورهٔ بازگشت (از اواسط قرن دوازدهم تا قرن سیزدهم که شاعران می‌کوشند از یافته‌های شعری همهٔ ادوار استفاده کنند) و درنهایت غزل نو (که از حدود سال ۱۳۴۰ تحت تأثیر شعر نو به وجود آمد و سرشار از تشبیهات و

استعارات و مضامین و اوزان و قوافی تازه دلنشین است» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۲۱، ۲۹).

۴-۱ سعدی

سعدی، از شاعران نیمه اول قرن هفتم، در شیراز به دنیا آمد. سپس در آموختن مقدمات علوم به نظامیه بغداد رفت و از محضر جمال‌الدین ابوالفرج بن جوزی و شهاب‌الدین سهروردی استفاده کرد. از آثار بی‌نظیر سعدی می‌توان به این متون اشاره داشت: بوستان که به سال ۶۵۵ به نام اتابک ابوبکر بن سعد زنگی در قالب مثنوی به بحر متقارب سروده است. دوم: کتاب گلستان به سال ۶۵۶ به نام سعد بن ابی‌بکر بن سعد بن زنگی به نظم و نشر نوشته شد. سعدی استاد یگانه غزل‌سرایی است. غزل‌های سعدی به سه دسته تقسیم می‌شود:

الف) غزل‌های عاشقانه که بیشتر کوتاه و از آغاز تا به انجام عاشقانه‌اند. غزل‌ها بیان عشق انسانی و زمینی و ملموس و در عین شور و احساس، والا و فاخرند. مخاطب شعر عاشقانه سعدی، احساس فعال برون‌نگر است؛ ولی پیراستگی و سادگی و حرکت طبیعی کلمات پشت سر هم، تشخیص سبکی است که همواره رهبر یک جریان شعری هم بوده است.

ب) غزل‌های عارفانه که نسب آن به غزلیات عرفانی سنایی می‌رسد. این نوع تحول با احساس مذهبی و شکل حماسی آن، یعنی کوشش برای یگانه‌شدن انسان و جهان پیوندی ناگزیر دارد. سعدی در غزلیات عارفانه خود تحت تأثیر اصل کلامی اشعریان است که از پیامدهای این جبر، نفی رابطه علت و معلولی است.

ج) غزل‌های پندآموز؛ در بسیاری از غزل‌های عاشقانه و عارفانه، ابیات پندآموزی است که ضرب‌المثل شده‌اند.

۵-۱ همام تبریزی

همام‌الدین تبریزی شاعر نیمه اول قرن هفتم و معاصر سعدی است. در خانواده‌ای شاعر و فاضل نشو و نما یافت. گروهی او را از شاگردان خواجه نصیرالدین طوسی و قطب‌الدین شیرازی و پیرو مذهب شافعی دانسته‌اند. همام دارای دیوان شعری بالغ بر ۳۹۴۴ بیت در

قالب قطعه، قصیده، غزل، رباعیات و مفردات است. واژه‌ها و عبارات‌های عربی و اصطلاحاتی دربارهٔ مسائل عرفانی، فلسفی، منطقی در دیوان او زیاد است. همام از میان گویندگان معاصر خود از سعدی تأثیر یافته است؛ تاجایی که به جرأت می‌توان گفت کمال سبک همام بستگی به تتبع از غزل‌های سعدی دارد.

سعدی و همام در یک نقطه با هم اشتراک کامل دارند و آن، خاندان معروف جوینی است؛ این اشتراک در ممدوح، اهمیت فراوانی در کیفیت برخورد همام با آثار سعدی داشته است. مطالعهٔ غزل‌های همام این حقیقت را روشن می‌کند که وی اگرچه مستقیم نزد سعدی شاگردی نکرده، در معنی شاگرد اوست و اگر شاگرد به شعر استاد مانده باشد، جای شگفتی نیست و به‌جز آن نباید انتظار داشت؛ گواه ما در بیان مطالب یادشده، جنگ شمارهٔ ۴۸۷ کتابخانهٔ «لالا اسماعیل» ترکیه است. این جنگ در سال‌های ۷۴۱ و ۷۴۲ ق. نوشته شده است؛ در قسمتی از آن ۴۷ غزل از سعدی با ۴۷ غزل از همام - که دارای یک وزن و یک قافیه هستند - تحت عنوان «المعارضات بین غزلیات الشیخ سعدی و مولانا همام‌الدین طاب ثراهما» معارضه شده است.

۶-۱ معارضه

کلمه‌ای عربی است؛ به معنی «انجام‌دادن عملی که طرف مقابل و مدعی شخص انجام داده است شکستن کلام کسی» (معین، ۱۳۷۹: ۴۲۱۱). «گاه است که بیشتر یا کمتر، حتی بیتی در جواب بیتی. از دورهٔ مولانا به این طرف خاصه در دورهٔ صفویه و قریب به آن که بازار این‌گونه طبع‌آزمایی‌ها به نام تتبع و جواب و غیره رواج بیشتر داشته، و چه بسیار دیوان‌ها در تقلید و تتبع اساتید قدیم پرداخته‌اند» (اخوان ثالث، ۱۳۷۴: ۹۵).

۲- نسخهٔ خطی جنگ لالا اسماعیل

جنگ شمارهٔ ۴۸۷ کتابخانهٔ «لالا اسماعیل» ترکیه که کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران از آن

میکروفیلم تهیه کرده است و به نشانه ف ۵۷۳ آن را نگهداری می‌کند. این جنگ دارای ۲۸۳ برگ است. قسمتی از آن در ۷۴۱ ق. و قسمتی دیگر در ۷۴۲ ق. نوشته شده است. در قسمتی از جنگ که در سال ۷۴۲ ق. نوشته شده است، عنوان «المعارضات بین غزلیات الشیخ سعدی و مولانا همام‌الدین» دیده می‌شود؛ پس از ۹۴ غزل معارضات این دو شاعر، یک رباعی در بردارنده تاریخ وفات همام و یک قطعه شعر از سعیدی تبریزی در رثای وی آمده است.

۱-۲ ویژگی‌های نوشتاری نسخه خطی جنگ لالا اسماعیل

به شیوه کتابت نسخ خطی، حرف اضافه «به» در همه جا متصل به متمم نوشته شده بود که جدانویسی شد.

گاه به جای کسره، «ی» کتابت شده بود که اصلاح شد؛ مانند خونِی: خونِ.

همزه واژه «است» در اتصال‌ها، حذف شده بود که جدانویسی شد.

واژه‌ها به کلمه‌های مختوم به «ه» غیرملفوظ متصل بود و مد همه الف‌های ممدود اول

کلمات حذف شده بود که تصحیح شد.

گاه کاتب در نسخه، سهواً بعضی از واژه‌ها را کتابت نکرده بود که بازنویسی و با سایر

مسائل به‌طور انتقادی تصحیح و اصلاح شد.

۲-۲ بررسی سبک‌شناسانه معارضات سعدی و همام

«سعدی شاعری است که به سادگی و روانی سبک خراسانی توجه دارد؛ به تعبیری، وی

بزرگ‌ترین شاعر سبک خراسانی است که در عصر خراسانی به سر نمی‌برده است و این امر

تبیین سبک شخصی او را دشوار می‌سازد. در بیان مشخصه سبکی برای اشعار سعدی،

بهترین گزینه، سادگی و روانی شعر اوست که به نام سهل‌ممتنع می‌شناسیم. مختصات آوایی

زبانی سبک خراسانی در اشعار سعدی بسیار است؛ اما در عین حال از واژگان کهن و

نامأنوس در غزلیات او اثری نیست. مشخصه‌های لغوی سبک عراقی در غزلیات سعدی

مشهود است؛ به‌طور مثال، نباشی به‌جای نبوی، کسی به‌جای که و... لغات فارسی اصیل

قدیم را کم به کار می‌برد و به جای آن لغات عربی را با بسامد پایین به کار می‌برد. سعدی تعادل را به لحاظ اخراج لغات مهجور فارسی و عربی و رسیدن به یک زبان معیار زبانی که پایه زبان فارسی امروز فارسی است، رعایت می‌کند و این امر شاخصه غزلیات سعدی است» (جعفری، ۱۳۹۴: ۶۷).

زبان سعدی، ساده و روان و به دور از تعقید و ابهام است که به سادگی و روانی شاعران سبک خراسانی نظر دارد. بیان و بدیع در غزلیات سعدی، متعادل و پنهان است؛ یعنی ژرف‌ساخت شعر او هنری است؛ اما در ظاهر ساده می‌نماید؛ همان که قدما سهل و ممتنع می‌گفتند؛ از این رو کسانی مانند همام تبریزی که خواسته‌اند سبک سعدی را تقلید کنند، فریفته زبان او شده‌اند و از آن همه ظرایف و دقیقه‌های پشت پرده، غافل مانده‌اند؛ در حالی که بهترین شاهد مثال‌های بدیعی را می‌توان از غزل‌های سعدی انتخاب کرد. خواجه همام تبریزی از شاعران بزرگ و هم‌دوره سعدی است که به زبان فارسی دری شعر گفته و تعدادی از ابیات آن نیز به زبان آذری و فهلویات قدیم است. البته هیچ‌یک از آن‌ها نه اینکه یک بیت، بلکه یک کلمه ترکی هم نیست و این خود بهترین شاهد است که مردم باذوق آذربایجان به ترکی توجهی نداشته‌اند؛ یعنی اگر شعر می‌گفتند، به فارسی دری و اگر هم میان خود تکلم می‌کردند، به لهجه آذری و پهلوی بوده است.

تکرار و هم‌حروفی در غزلیات سعدی، بسیار است:

سرو را مانی؛ ولیکن سرو را رفتار نه ماه را مانی؛ ولیکن ماه را گفتار نیست

(خطیب رهبر، ۱۳۶۹: ۶۹)

علاقه بسیار سعدی به استفاده از نام اعضای بدن مانند دست و پا و چشم... و ترتیب نحوی خاص سعدی در جمله‌بندی‌ها، از شاخصه‌های زبانی سعدی است؛ در حالی که این امر در غزلیات همام بسامد پایین‌تری دارد.

سعدی از واژه‌های عربی کمترین استفاده را داشته است؛ به‌طور اساسی مهم‌ترین ویژگی زبانی سبک عراقی (قرن هفتم)، درهم‌آمیختگی ویژگی‌های کهن و جدید است که گاه حتی در

یک غزل کوتاه در کنار هم دیده می‌شوند. این ویژگی در اغلب غزل‌های سعدی دیده می‌شود. برعکس سعدی، واژه‌ها و عبارات‌های عربی در اشعار همام بسیار است. «همام تبریزی با اقتباس بیش از ۵۰ آیه و استفاده از احادیث و روایات، وقایع دینی و تاریخی و استفاده از اشعار شاعران قدیم عرب نشان می‌دهد که تناص قرآنی در اشعار همام، از بسامد بالایی برخوردار است» (ایدر و عزیزخانی، ۱۳۹۳: ۵۵۲). دسته‌ای از این واژه‌ها و عبارات‌ها، برگرفته از آیات و احادیث و سخنان بزرگان است؛ مانند سقیهم، جنه‌المأوی، حور عین و

بر خلوت گواهی اسری بعبده
بر قربت دنی فتدلی دلیل ما
(عیوضی، ۱۳۷۰: ۳۱)

دسته دوم از واژگان عربی، آن‌هایی است که در مسائل عرفانی، فلسفی و منطقی و... مصطلح بوده‌اند و همام تبریزی نیز پاره‌ای از آن‌ها را به کار برده است؛ مانند محمول، موضوع، جوهر، تصور، تعزیه و... .

عاشقان را تا سحر باشد سماع
هر شب از بانگ سگان کوی تو
(همام: ۱۴۱)

دسته سوم، واژه‌هایی است که به‌خاطر آمیختگی زبان و ادبیات فارسی و عربی در قرن هفتم و هشتم رایج بوده است؛ مانند اشتها، التجا، اشراک، افضال، مستعجل و... .

چون باد بر ما بگذرد بر جانب ما ننگرد
آرام دل‌ها می‌برد وصل چنین مستعجلی
(همام: ۱۵۴)

سعدی بیشتر غزل‌های خود را به‌ترتیب در بحر رمل و مجتث، هزج، مضارع و منسرح سروده و بحر خفیف و رجز، سریع و بسیط را کمتر به کار برده است؛ اما همام تبریزی در غزلیات بیشتر از محور رمل و زحافات آن استفاده کرده است؛ از جمله: بحر رمل، محذوف/رمل مقصور/رمل مخبون، محذوف/رمل مخبون مقصور/رمل مخبون اصلم... .

قافیة غزل‌های سعدی کلمات ساده و روان فارسی یا عربی مستعمل و مأنوس، و بیشتر یک فعل یا یک جمله کوتاه یا یک اسم و یک ضمیر است؛ اما در غزلیات همام، بیت‌های

مردّف بسیار است و از مجموع ۳۷۷۹ بیت، ۳۰۲ ردیف متفاوت دیده می‌شود.

بگذار تا مقابل روی تو بگذریم دزدیده در شمایل خوب تو بنگریم
شوق است در جدایی و جور است در نظر هم جور به که طاقت شوق نیاوریم
(خطیب رهبر، ۱۳۶۹: ۱۲۲)

نام او ذکر اهل معنی شد سکه نقد دین و دنیی شد
نور ایمان و علم پیدا شد چشم دل زین دو نور پیدا شد
(عیوضی، ۱۳۷۰: ۲۳۲)

سعدی از نظر نحوی، تحت تأثیر سبک کهن، بیشتر کلمه‌ها را با «ان» جمع بسته است.
ضمیر متصل مفعولی بسامد بالایی دارد:

گفتم بینمش مگرم درد اشتیاق ساکن شود، بدیدم و مشتاق تر شدم
(خطیب رهبر، ۱۳۶۹: ۱۰۶)

«نه» در نقش قید منفی:

که پسندد که فراموش کنی عهد قدیم به وصالت که نه مستوجب هجران بودم
(همان: ۱۰۹)

«را» به معنی «به و برای» حرف اضافه، زیاد دیده می‌شود:

مردم بیگانه را خاطر نگه دارند خلق دوستان ما بیازردند یار خویش را
(همان: ۳۹)

تکرار، تقدم فعل بر متمم فعل، مفعولی و قیدهای جمله و کوتاهی و روشنی جمله‌ها، به‌طور تقریبی در تمام غزل‌های سعدی دیده می‌شود؛ به‌طور کلی ویژگی‌های نحوی زمان کهن در اشعار عربی مشهودتر از ویژگی‌های نحوی زبان جدید است و بیشتر کلام را با مقتضای حال مطابقت داده است؛ از این رو بزرگان ادب، گفتار سعدی را معیار فصاحت و بلاغت می‌دانند. مطالعه غزل‌های همام به‌ویژه از نظر نحوی، این حقیقت را روشن می‌کند که

وی اگرچه به‌طور مستقیم نزد سعدی شاگردی نکرده است، در معنی شاگرد اوست. سعدی شاعر قرن هفتم است؛ دوره‌ای که عرفان رواج کاملی یافته است و اغلب شعرا به عرفان توجه دارند؛ اما غزل‌های سعدی عاشقانه است نه عارفانه. از نظر فکری، غزل‌های سعدی غنایی است و دارای معشوق زمینی است؛ اما نه مانند معشوق حقیر تغزل؛ بلکه مقام والایی دارد که ماجراهای عاشقانه‌ای متناسب عشق‌های زمینی، با او در جریان است. نشاط و سرزندگی شعر کهن در قالب مفاهیمی از وصال در غزل‌های سعدی است؛ درحالی‌که همام در غزلیات بیشتر از فراق و هجران و یا ناامیدی از وصال به معشوق سخن می‌گوید؛ غزل‌های همام تبریزی حاوی معانی و اشارت‌های صریح اهل سلوک است.

«سعدی در زمان خویش در طبقه اهل عرفان قرار داشته و در سفر و حضر همراه این طایفه به سر می‌برده و در حلقه مریدان می‌نشسته، او بارها اقرار کرده که جزو حلقه درویشان بوده است. لحن بیان و سخنان لطیف شیخ اجل سعدی حتی در غزلیات او نیز، این مطلب را تأیید می‌نماید؛ متنها به‌علت تاختن سعدی به صوفیان متظاهر، چنین می‌نماید که منکر این طایفه است؛ درحالی‌که این‌گونه نیست و او مردی کامل و عارف ربانی بوده است» (نظری، ۱۳۸۱: ۳۵).

درد عشق از تندرستی خوش‌تر است	ملک درویشی ز هستی خوش‌ترست
عشق بهتر می‌نهد از کاینات	عارفان گویند مستی خوش‌ترست
خودپرستی خیزد از دنیا و جاه	نیستی و حق‌پرستی خوش‌ترست
چون گرانباران به سختی می‌روند	هم سبکباری و چستی خوش‌ترست
سعدیا چون دولت و فرماندهی	می‌نماید، تندرستی خوش‌ترست

(خطیب رهبر، ۱۳۶۹: ۱۵۸)

همام تبریزی نیز به‌تبع سعدی معتقد است، برای رسیدن عاشقان به معشوق باید در بادیه و صحرا، زخم خار مگیلان و سختی و زحمت راه را تحمل کرد (طی مقامات در سلوک) تا

به مطلوب رسید.

سعدی:

سعدی اگر طالبی راه رو و رنج بر
کعبه دیدار دوست صبر بیابان اوست
(همان: ۱۷۳)

همام:

عاشقان کعبه را در بادیه
ای بسا زحمت که می‌باید کشید
(عیوضی، ۱۳۷۰: ۱۰۶)

«همام در دیوان خود از وجد، شور، شوق و سماع سخن گفته است؛ در واقع مکتب او از نوع تصوف عاشقانه است؛ زیرا همام خطاب به معشوق می‌گوید: در سماعی که غزل‌های مرا می‌خوانند، گرمی مجلس و رونق آن به خاطر ذکر و یاد کرد نام معشوق است. در زمان سماع باید لحظه‌ای از خویشتن خود جدا شوی و در برابر خود، چهره‌ی محبوب را مجسم کنی.»:

گرمی از ذکر تو یابند نه از از شعر همام
در سماعی که غزل‌های ورا می‌خوانند
به سماع چون درآیی ز خیال خویش بگذر
نفسی مگر نظر را به جمال او رسانی
(همان: ۲۰۸)

«همام تبریزی نیز چون سعدی، با سخن گفتن از معشوق و تصویرسازی با یاد او در ذهن خود و آوردن مقامات و احوال، مجاهده و پاره‌ای از معتقدات عرفانی، اشعاری شیرین و زیبا می‌سراید و تمام غزلیات خود را با این معانی می‌سراید» (عالی کردکلایی و نظری، ۱۳۹۴: ۵۳).

تأثرات همام تبریزی از سعدی را می‌توان به این ترتیب خلاصه کرد:

قسمت اول: تأثراتی که اساس و بنیاد سبک همام به شمار می‌رود؛ یعنی بی‌آنکه شباهتی ظاهری و مضمونی میان غزل‌های همام و سعدی باشد، بیان شیرین و دلایز سعدی را از زبان همام می‌شنویم.

قسمت دوم، تأثراتی است که به یاری اتحاد وزن و قافیه می‌توان آن‌ها را مطالعه کرد که

خود بر دو گونه است:

نوع اول غزلیاتی است که همام در سرودن آن‌ها، هم از لحاظ وزن و قافیه و هم از لحاظ مضمون از برخی بیت‌های سعدی متأثر شده است.

خرامان از درم بازآ که از جان آرزومندم	به دیدار از تو خوشنودم به گفتار از تو خرسندم
اگرچه خاطرت با هر کسی پیوندها دارد	مبادا هرگز آن روزی که من با جز تو پیمودم
یکی همتای من هستی زهی بدعهد سنگین‌دل	مکن کاندرا وفاداری نخواهی یافت ماندم
مکن میل به هر سویی به یاران پراکنده	که من مهر دگر یاران به دیگر سو پراکندم
به جانت کز میان جان ز جانت دوست‌تر دارم	به حق دوستی یارا که باور دار سوگندم
شراب وصل اندر ده که جام هجر نوشیدم	درخت دوستی بشان که بیخ صبر برکندم
معلم گو ادب کم کرد من ناجنس شاگردم	پدر گو پند کمتر ده که من نااهل فرزندم
به زاری در پی‌ات سعدی چو گرد افتاده می‌گوید	پسندی بر دلم گردی که بر دامانت نپسندم

(سعدی، نسخه خطی، معارضه ۱)

همام تبریزی

تو از من گرچه بیریدی زیادت گشت پیوندم	مباد آن روز و آن ساعت که دل در دیگری بندم
خیالم بود کز وصلت نباشم یک زمان خالی	کنون بر خویش می‌گیرم بدان او مید می‌خندم
به‌غایت شرمسارم من ز عمر خویش می‌گویم	که بی‌جانان چرا با جان بود یک لحظه پیوندم
به بوی دوست جان‌دادن حیات جاودان باشد	بیار ای باد شبگیری نسیم کوه الوندم
چو محشر آدمی باشد بی‌ویم خاک قالب را	که از مهرت بود خالی بدو هرگز نیوندم
بهار و گل شد از دستم چو بلبل دم فروبستم	ز عجز است اینکه خاموشم نه آن کز دوست خرسندم
همی‌گفتند یارانم نباید عشق‌ورزیدن	نصیحت‌ها چو نشنیدم فراقش می‌دهد پندم
همام از آتش هجران عذابی می‌کشد یارا	که گر دشمن کشد آن را یقین می‌دان که نپسندم
تو خود رفتی ولی هر دم خیالت را همی‌گویم	خرامان از درم بازآ که از جان آرزومندم

(همام تبریزی، نسخه خطی، معارضه ۱)
 نوع دوم، غزلیاتی است که فقط در وزن و قافیه اتحاد دارند و از نظر مصادیق، ماندگی و شباهتی در آن‌ها دیده نمی‌شود؛ ولی پس از مطالعه هر دو غزل تأثر واحدی در خود احساس می‌کنیم.

همی‌زدم نفسی سرد بر امید کسی	که یاد ناورد از ما به سال‌ها نفسی...
(سعدی، نسخه خطی، معارضه ۳۸)	
در آرزوی تو گشته به هر دیار بسی	مرا ز روی تو هرگز نشان نداد کسی
(همام، نسخه خطی، معارضه ۳۸)	
با کاروان مصری چندین شکر نباشد	در لعبتان چینی زین خوب‌تر نباشد
(سعدی، نسخه خطی، معارضه ۱۸)	
جان تو را به جای زلفت جای دگر نباشد	زین منزل خوش او را عزم سفر نباشد
(همام، نسخه خطی، معارضه ۱۸)	

۳- نتیجه‌گیری

در مقایسه تطبیقی مناظره‌های همام در برابر سعدی نتایج زیر به دست آمد:
 زبان سعدی در غزلیات چنان ساده و روان و به‌دور از ابهام و تعقید است که حتی می‌توان او را شاعر دوره سبک خراسانی به شمار آورد. اشعار او ظاهراً ساده، اما بسیار هنری است؛ همان که قدما سهل و ممتنع گفته‌اند؛ این امر بسیاری از شاعران مانند همام تبریزی را بر آن داشته است تا غافل از ظرایف و ژرف‌ساخت هنری اشعار سعدی، به تقلید از او بپردازند. تکرار و واج‌آرایی در غزلیات سعدی بسیار است؛ اما از واژه‌های عربی کمترین استفاده را داشته است؛ درحالی‌که همام با بسامد بیشتری از کلمه‌های عربی استفاده می‌کند. سعدی بیشتر غزل‌های خود را در بحر رمل، مجتث، هزج و مضارع و منسرح سروده که همام به‌ویژه در استفاده از بحر رمل (در ۷۵ غزل) از او پیروی کرده است. همام به تقلید از

سعدی، قوافی غزل‌ها را از کلمه‌های روان و ساده فارسی یا عربی مستعمل انتخاب کرده؛ ردیف‌ها نیز اغلب فعل، اسم یا ضمیر و یا یک جمله کوتاه است. استفاده از اسم ذات و اعضای بدن در غزلیات سعدی، یک ویژگی لغوی است؛ اما در غزلیات همام، این امر بسامد پایینی دارد. غزلیات سعدی تحت تأثیر سبک کهن، بیشتر واژه‌ها را با «ان» جمع بسته است و ضمیر متصل مفعولی بسامد بالایی دارد؛ «نه» در نقش قید منفی و «را» به معنی «به» زیاد دیده می‌شود. تکرار، تقدم فعل بر متمم و قید و همچنین کوتاهی جمله‌ها تقریباً در همه غزل‌ها دیده می‌شود. در مجموع، ویژگی‌های نحوی زبان کهن در غزلیات سعدی دارای بسامد بالاست و در غزلیات همام تبریزی، کمتر است. غزل‌های سعدی بیشتر شبیه تغزل است. در واقع غزل‌های او نه عاشقانه صرف و نه عارفانه محض است. معشوقش زمینی است؛ اما نه مانند معشوق حقیر تغزل؛ بلکه معشوق مقام والایی دارد. همام تبریزی در مقایسه با سعدی، دارای مکتب تصوف عاشقانه است. در غزلیات از وجد، شور، شوق و سماع سخن می‌گوید و با تصویرسازی از معشوق و یاد او در ذهن، به ذکر مقام‌ها و احوالات عرفانی، مجاهده و برخی معتقدات عرفانی می‌پردازد؛ بنابراین مضمون عارفانه در غزلیات همام در مقایسه با سعدی بیشتر است. کاربرد آیات قرآنی و احادیث، وقایع دینی و تاریخی نیز در اشعار همام تبریزی، بسامد بالایی دارد. سعدی در غزلیات، دچار فراق است؛ اما به وصال امید دارد؛ یعنی نشاط و سرزندگی شعر کهن، در اشعار او دیده می‌شود. در غزلیات همام، این امید و شغف به حداقل می‌رسد و سخن از فراق و ناامیدی از وصال معشوق است. غزل‌های سعدی وحدت موضوع دارند؛ درون‌گرا، عشق‌گرا و غیررئالیستی است؛ قضا و قدر در اشعار او اهمیت دارد و بسیار به آن پرداخته است. تأثیر همام تبریزی از غزلیات سعدی، یا اساسی و بنیادی است یا در وزن و قافیه و یا در مضمون است. در کل باید بپذیریم که همام تبریزی هرچند به‌طور مستقیم نزد سعدی شاگردی نکرده، در معنی شاگرد اوست و اشعار او تحت تأثیر ویژگی‌های نحوی، لغوی، زبانی و فکری غزلیات

سعدی قرار دارد.

منابع

۱. ایدر، نرگس؛ عزیزخانی، مریم (۱۳۹۳)، «تناص دینی و قرانی در اشعار همام تبریزی»، *همایش ملی بینامتنیت*، قم: بی‌نا، ۵۴۰-۵۵۵.
۲. اخوان ثالث، مهدی (۱۳۷۴)، *نقیضه و نقیضه‌سازان*، تهران: زمستان.
۳. براون، ادوارد (۱۳۸۷)، *تاریخ ادبیات*، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران: مروارید.
۴. جعفری، عبدالوحید (۱۳۹۴)، «سبک زبانی غزلیات سعدی»، *فصلنامه بهارستان سخن*، سال دوازدهم، شماره ۲۸، ۴۹-۷۰.
۵. خطیب رهبر، خلیل (۱۳۶۹)، *غزلیات سعدی*، تهران: نشر مهتاب.
۶. درایتی، مصطفی (۱۳۹۳)، *فهرستگان نسخه‌های خطی ایران* (فنخا)، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۷. سایگانی، لیلا (۱۳۸۷)، *سبک‌شناسی غزل‌های همام تبریزی*، پایان‌نامه، استاد راهنما: محمدمیر مشهدی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۸. شمیسا، سیروس (۱۳۷۳)، *سیر غزل در شعر فارسی*، تهران: فردوس.
۹. عالی کردکلابی، احمد؛ نظری، احمد؛ پنبه‌کار، صغری (۱۳۹۴)، «بازتاب عرفان در غزلیات همام تبریزی»، *همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی دانشگاه محقق اردبیلی*، بی‌جا: بی‌نا، ۳۸-۵۶.
۱۰. عباس‌زاده، فاضل (۱۳۹۳)، «بررسی نقش گونه‌های ایهام در تکثر معانی واژگان دیوان همام تبریزی»، *فصلنامه ادب فارسی*، شماره ۱۴، ۱۲۵-۱۴۴.
۱۱. عباس‌زاده، فاضل؛ تجلیل، جلیل (۱۳۹۴)، «نگاهی به مفاهیم ثانوی عرفانی چهره معشوق

- در دیوان همام تبریزی»، *عرفان اسلامی*، شماره ۴۵، ۱۴-۳۰.
۱۲. عباس زاده، فاضل؛ تجلیل، جلیل (۱۳۹۳)، «نقش همگونی کامل واژگانی در موسیقی شعر همام تبریزی»، *فصلنامه بهارستان سخن*، شماره ۲۶، ۱۲۱-۱۴۴.
۱۳. عیوضی، رشید (۱۳۷۰)، *دیوان همام تبریزی*، تهران: نشر صدوق.
۱۴. کهریزی، خلیل (۱۳۹۹)، «شاهنامه در دیوان همام تبریزی»، *کارنامه متون ادبی دوره عراقی*، شماره ۱، ۶۵-۷۶.
۱۵. معین، محمد (۱۳۷۹)، *فرهنگ معین*، جلد ۳، تهران: امیرکبیر.
۱۶. مؤتمن، زین‌العابدین (۱۳۶۴)، *شعر و ادب فارسی*، تهران: نشر زرین.
۱۷. *نسخه خطی جنگ لالا اسماعیل ترکیه* به شماره ۴۸۷.
۱۸. همام تبریزی (۱۳۷۰)، *دیوان شعر*، تصحیح رضا عیوضی، تهران: صدوق.
۱۹. همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۵)، *تاریخ ادبیات ایران*، به‌کوشش ماهدخت بانو همایی، تهران: نشر هما.
۲۰. همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۰)، *متون بلاغت و صناعات ادبی*، تهران: نشر هما.
۲۱. یاحقی، محمدجعفر (۱۳۷۳)، *راهنمای نگارش و ویرایش*، تهران: آستان قدس رضوی.
۲۲. یغمایی، حبیب (۱۳۶۱)، *غزلیات سعدی*، تهران: آستان قدس رضوی.

